

— حمید عطائی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
h.ataee@isca.ac.ir

نقدی بر ویراستی نابسامان از «حاشیه شمس الدین گیلانی بر تعلیق خفزی بر الهیات شرح تجرید»

۴۷-۶۰

نقدی بر ویراست «حاشیه ملاً شمساً گیلانی بر تعلیقہ خفّری بر الہیات شرح
تجرید در مباحث قدرت و علم الہی»

حمید عطائی نظری

چکیده: به تازگی ویراستی آشفته و مغلوپ از حاشیہ ملاً شمساً گیلانی بر تعلیقہ خفّری بر الہیات شرح تجرید قوشچی از سوی مؤسسہ پژوهشی حکمت و فلسفہ ایران و در ضمن سلسلہ منشورات «ہمایش مکتب فلسفی اصفہان» انتشار یافته است کہ تنہا بخش مختصّ بہ مباحث قدرت و علم الہی از این اثر را شامل می شود. مقالہ پیش رو با برشماری برخی از نادرستی ہا و نابسامانی ہای بسیار این تصحیح از جملہ: (۱) خطاہای حروف نگاشتی، (۲) ضبط ہای نادرست، (۳) استفادہ ناصحیح از علائم ویرایشی، (۴) تقطیع ہا و بندبندی ہای غلط، (۵) عدم تنظیم و ارائہ ارجاعات لازم و (۶) افتادگی ہای خُرد و کلان، بہ نقد این ویراست پرداختہ است. یادآوری این خطاہا نشان می دہد کہ ویراست یاد شدہ فاقد فائدہ و اعتبار مورد انتظار است و حاشیہ ملاً شمساً گیلانی بر تعلیقات خفّری باید از نوبہ نحو کامل و استوار تصحیح و منتشر شود.

کلیدواژہ‌ها: ملاً شمساً گیلانی، خفّری، شرح تجرید، نقد.

— A critique of the edition of Mullā Shamsā
Gilāni's *Annotation on Khafri's Tavliqa on Elāhi-
yūt-e Sharh-e Tajrīd* (Theology of the Explanation
of Abstraction) Regarding the Divine Science
and Power

By: Hamid Atāie Nazari

Abstract: An erroneous and confusing edition of Mullā Shamsā Gilāni's *Annotation on Khafri's Tavliqa on Qushchi's Elāhiyāt-e Sharh-e Tajrīd* (Theology of the Explanation of Abstraction) has recently been released by Iran Research Institute of Philosophy. This work has been published along with a series of other works of «The Conference of the Philosophical School of Isfahan», and it only concentrates on the part of Qushchi's work which talks about the divine power and science. The leading article, citing a number of flaws and abnormalities, has criticized this edition, the flaws include: (1) typing errors, (2) improper recording, (3) improper use of editorial symbols, (4) wrong parsing, and 5. not providing the necessary references. Mentioning these errors shows that the edited version lacks credibility, and needs to be repaired and published thoroughly and completely.

Key words: Mullā Shamsā Gilāni, Khafri's, *Sharh-e Tajrīd*, criticism.

— حاشیہ الملاً شمساً الگیلانی علی تعلیقہ الخفّری علی الہیات شرح التجرید فی
مباحث القدرة والعلم الإلهی

حمید عطائی نظری

المخالصہ: صدر فی الآونة الأخيرة تصحیح جدید مرتبک و ملیء بالأخطاء لحاشیة الملاً شمساً الگیلانی علی تعلیقہ الخفّری علی الہیات شرح تجرید القوشچی، وقد تولی نشر هذا التصحیح مؤسسہ أبحاث الحکمة والفلسفة الإيرانية ضمن سلسلہ منشورات (ندوة مدرسة أصفهان الفلسفیة)، واقتصرت هذه الطبعة علی القسم المختصّ بمباحث القدرة والعلم الإلهی من هذا الكتاب.

والمقالة تتضمن تعداداً لبعض الأخطاء والاشتباهات الكثيرة التي ابتلي بها هذا التصحیح، ومنها: ۱. أخطاء الكتابة الحروفیة. ۲. التشکیل الخاطئ أو المرجوح. ۳. الاستخدام غير المناسب لعلائم التحرير. ۴. التقطیع الخاطئ للجملة والفقرات. ۵. عدم تنظیم وتقديم الإرجاعات الواجبة، ثم الانتقال إلى نقد هذا التصحیح.

والتنبيه علی هذه الأخطاء يشير إلى انعدام الفائدة من هذا التصحیح وعدم اعتباره، ووجوب القيام من جدید بتصحیح حاشیة الملاً شمساً الگیلانی علی تعلیقات الخفّری تصحیحاً قویاً ودقیقاً مناسباً للنشر من جدید.

المفردات الأساسية: الملاً شمساً الگیلانی، الخفّری، شرح التجرید، النقد.

نقدی بر ویراستی نابسامان از «حاشیه شمس الدین گیلانی بر تعلیقہ خفّری بر الهیات شرح تجرید»

— حمید عطائی نظری

حاشیه تعلیقہ بر الهیات شرح

تجرید احمد بن محمد خفّری در
مباحث قدرت و علم الهی؛ شمس
الدین محمد بن نعمه الله گیلانی
(ملاشمسا)؛ مقدمه، تصحیح و
تعلیق؛ سید محمدعلی دیباجی
و حسن محسنی راد؛ تهران:
موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه
ایران، ۱۳۹۶.

چندی پیش به مناسبت برگزاری دومین همایش مکتب فلسفی اصفهان در دانشگاه اصفهان، بخشی از حاشیه شمس الدین محمد گیلانی ملقب به ملاشمسا (زنده در قرن یازدهم هجری) بر تعلیقہ محمد بن احمد خفّری بر الهیات شرح تجرید ملاعلی قوشچی، از سوی انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شد (تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶، ۵۰۰ نسخه). تصحیح این اثر بردست آقایان دکتر سید محمدعلی دیباجی (دانشیار دانشگاه تهران) و حسن محسنی راد انجام گرفته است. این ویراست در اصل، پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای محسنی راد بوده است که زیر نظر آقای دکتر دیباجی فراهم آمده و در پردیس فارابی دانشگاه تهران از آن دفاع شده و اکنون با تحقیق و تکمیل بیشتر به چاپ رسیده است.

طبعاً از ویراستی که حاصل تحقیقی دانشگاهی است و کمیته علمی همایشی که از سوی دانشگاهی دیگر برگزار شده است نیز رأی به صلاحیت انتشار آن داده و با همکاری یک مؤسسه پژوهشی انتشار یافته باشد، انتظار می‌رود ویراستی دقیق و استوار و تحقیقی عمیق و ماندگار باشد؛ اما صد افسوس که چنین نیست! تصحیح ارائه شده اثر نامبرده، چندان آشفته و مغلوط است که به سختی می‌توان پذیرفت حقیقتاً حاصل تعامل چند نهاد دانشگاهی و پژوهشی نامدار با یکدیگر باشد. چنانکه از شیوه عرضه این اثر می‌توان دریافت، ظاهراً هیچ‌یک از فراهم‌آوردندگان این ویراست با الفبای روش تصحیح انتقادی متن نیز به خوبی آشنا نبوده‌اند و از سرشتاب و بی‌التزام به ضرورت‌های چنین کاری به تصحیح و نشر کتاب اقدام کرده‌اند. نادرستی‌های صریح و ناراستی‌های فضح مشهود در این ویراست، از جمله، افتادگی‌های گاه بالغ بر ده پانزده صفحه، همگی حکایت از آسان‌گیری فراوان و غفلت بسیار مصححان و برگزارکنندگان همایش و ناشر کتاب در امر ویرایش و چاپ اثر دارد. اینکه چنین ویراست آشفته‌ای چگونه به عنوان پایان‌نامه‌ای دانشگاهی پذیرفته شده و در کمیته ارزیابی همایش نیز رأی به شایستگی انتشار آن داده شده مسأله‌ای شایان تأمل جدی است و ضرورت تجدید نظر بنیادین در شیوه دفاع از پایان‌نامه‌ها و چگونگی انتشار آثار را خاصه در برگزاری همایش‌ها، به ما گوشزد می‌کند.

آقای دکتر دیباجی در مقدمه ویراست اثر تصریح کرده‌اند: «کار اصلی این تحقیق از آن برادر گرامی جناب آقای حسن محسنی راد است و اگر کاستی در آن دیده می‌شود از طرف نگارنده این سطور است». معنا و فحوای این سخن آن است که آقای محسنی راد کار اصلی تصحیح اثر را به درستی انجام داده‌اند و کاستی‌های فراوان مشهود در آن حاصل تلاش‌های جناب دکتر دیباجی است! به هر روی از آنجا که اجتهاد در برابر نص روا نیست، ظاهراً باید آقای دکتر دیباجی که راهنمایی این تصحیح را عهده‌دار بوده‌اند، مسئول آشفته‌گی‌های آن بدانیم!

چنانکه از عنوان اثر مورد گفت‌وگو پیداست، این ویراست عبارتست از حواشی ملاشمسا گیلانی در مباحث قدرت و علم الهی بر تعلیقات خفّری بر شرح تجرید الاعتقاد قوشچی. ملاعلی قوشچی (د: ۸۷۹

ایراد بنیادین دیگر بر کار تصحیح حواشی گیلانی، مربوط است به دست‌نوشته‌های منتخب و اساس تصحیح مصححان. با وجود نسخ پرشماری که از حواشی گیلانی در دسترس است بگونه‌ای که تنها در فهرست فنخاحدود پنجاه نسخه از آن معرفی شده است^۴، مصححان در ویراست خود فقط از سه نسخه استفاده کرده‌اند. در یک تصحیح انتقادی دقیق، در صورت وجود نسخه‌های معتبر متعدد، بهره‌گیری از نسخ مختلف و استناد به آنها بر اتقان تصحیح می‌افزاید و از این رو تا حد امکان باید بدانها رجوع کرد. از این گذشته، چندین نسخه قدیم‌تر از این کتاب ملاً شمسا نیز هست که در زمره نسخ منتخب مصححان قرار نگرفته است و شوربختانه از آنها در فرایند تصحیح بهره‌ای گرفته نشده. مصححان محترم پس از معرفی نسخه حواشی گیلانی محفوظ در کتابخانه آیه الله گلپایگانی با شماره ۱۳/۸۵ یادآور شده‌اند که این نسخه «قدیمی‌ترین نسخه است»^۵ در حالی که در همان فهرست فنخاحدود کم سه نسخه قدیم‌تر از این اثر معرفی شده است!

گذشته از اشکالات مبنایی یادشده، دیگر نادرستی‌های خرد و کلان ویراست مورد گفت‌وگو همان عبارات مندرج بر جلد کتاب آغاز می‌شود که بر روی آن، نام و نسب خفّری بجای «محمد بن احمد» به اشتباه «احمد بن محمد» نوشته شده است. در ادامه، برخی دیگر از مهمترین ایرادات و نقائص این ویراست معرفی می‌شود.

آ افتادگی‌های خرد و کلان

یکی از نقائص اساسی ویراست حاشیه گیلانی، افتادگی‌ها و سقط‌های خرد و کلان پر شمار اتفاق افتاده در آن است. شناسایی دقیق این موارد - که گاه نیز چشم‌گیر و درازدامن است - البته مستلزم مقابله متن ویراسته با دست‌نوشته‌های اثر است که لابد ناشر باید پیش از انتشار این ویراست نااستوار بدان اهتمام می‌کرده و برای آن مبالغی از «اوقاف جیب» مایه می‌گذاشته! لیک گویا نکرده و نگذاشته! عجالتاً در اینجا تنها چند نمونه بارز و فاحش آن افتادگی‌ها نشان داده می‌شود:

۱) در صفحه ۲۰۲ میان عبارت پایانی بند نخست، یعنی «بخلاف العلم كما عرف» تا عبارت بعدی مندرج در ویراست مصححان، یعنی «قوله: ونفی هذا الانكشاف كفر صریح» حدود پانزده صفحه ناچیز!!! از متن اثر افتاده است؛ یعنی قسمتی که بر اساس دو

هدق، متکلم نامور اشعری، بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) شرحی نگاشته است که به شرح جدید تجرید معروف است.^۱ شمس‌الدین محمد بن احمد خفّری (د: حدود نیمه قرن دهم هجری قمری)، فیلسوف برجسته امامی، بر بخش الهیات این شرح (از اثبات خداوند تا مسأله توحید و نفی شریک) تعلیقاتی نگاشته است که به چاپ نیز رسیده.^۲ پس از آن شماری از عالمان از جمله ملاً شمسا گیلانی، فیلسوف نامدار امامی عصر صفوی، با نگارش پاره‌ای حواشی بر این تعلیقات، به بررسی و توضیح و گاه نقد آنها پرداخته‌اند. چنانکه گیلانی خاطر نشان کرده است، حواشی او تنها ناظر به تعلیقات خفّری نیست و گاه به متن تجرید و در مواردی نیز به عبارات شرح جدید تجرید راجع است.^۳ ویراستی که در مقاله حاضر ارزیابی می‌شود، عبارتست از تصحیح حواشی گیلانی بر تعلیقات خفّری در دو بخش قدرت و علم الهی. در ادامه، برخی از مهمترین خطاها و نابسامانی‌های این ویراست نشان داده می‌شود تا نامعتمد بودن آن از یکسو، و ضرورت ارائه ویراست تازه کامل و استواری از این اثر از سوی دیگر، آشکار گردد. نخست به چند اشکال مبنایی و اساسی و سپس به بعضی اغلاط خرد و کلان ویراست مزبور اشاره خواهیم کرد.

نخستین اشکال اساسی بر ویراست یادشده، ناقص و ابتر بودن آن است. حواشی گیلانی بر تعلیقات خفّری شامل تمام تعلیقات خفّری در مباحث الهیات از اثبات صانع تا اثبات صفاتی چون قدرت، علم، حیات، اراده، سمع و بصر، کلام، صدق، بقاء و توحید می‌شود اما مصححان اثر تنها حواشی وی بر دو مبحث قدرت و علم الهی را انتخاب و تصحیح و منتشر کرده‌اند. اینکه چاپ بخشی از میانه یک اثر توجیه و جیهی تواند داشت یا نه، مسأله‌ای است که مصححان و ناشران کتاب باید بدان پاسخی درخور و قانع‌کننده دهند.

۱. گذشته از چاپ سنگی این اثر، به نازگی بخشی از شرح قوشچی به صورت انتقادی تصحیح و منتشر شده است. نگرید به: القوشچی، علاء‌الدین علی بن محمد، شرح تجرید العقائد، صححه و حقه: محمد حسین الزارعی الرضایی، راند، ۱۳۹۳، قم.
۲. هم‌اکنون دو ویراست از این اثر در دسترس است:
(۱) خفّری، شمس‌الدین محمد بن احمد، تعلیقه بر الهیات شرح تجرید ملاً علی قوشچی، مقدمه و تصحیح: فیروزه ساعتچیان، میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران.
(۲) چاپ شده در ضمن: مجموعه رسائل علوم عقلی شمس‌الدین محمد بن احمد خفّری، به کوشش: محمد برکت، ج ۲، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۹۶، شیراز، ج ۱، صص ۲۰۵-۲۰۷.
۳. «هذه معلقات اتفقت منی بفضل الله سبحانه علی مبحث الهیات التجرید و شرحه الجدید والحاشیه التي علقها العلامة الخفّری علیهما». گیلانی، شمس‌الدین، حاشیه تعلیقه بر الهیات شرح تجرید احمد بن محمد خفّری، نسخه شماره ۲۹۶۶ محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۱ ب.

۴. نگرید به: درایتی، مصطفی، فنخاح، ج ۱۱، صص ۶۶۶-۶۶۹.
۵. گیلانی، شمس‌الدین، حاشیه تعلیقه بر الهیات شرح تجرید احمد بن محمد خفّری در مباحث قدرت و علم الهی، ص ۲۹.

«انه يجوز ان يكون مراد المصنف من قوله (والاخیر عام) ان الاخير تفيد شمول العلم بدون الضم ومع الضم الی دلایل اخرفید اصل العلم ایضا وهذا وان كان معنی صحیحاً لکنه صرف من المتبادر.» (ص ۱۶۰ س ۱۱-۱۳).

در عبارت بالا کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده در ویراست مصححان جافتاده است.

سبب این افتادگی‌ها هر چه باشد، از وقوع آنها می‌توان بدین نکته نیز پی برد که در روند تصحیح و فرایند انتشار، گویا مقابله دقیق میان دست‌نوشته‌های اساس تصحیح صورت نگرفته است و گرنه مصححان ارجمند با مقابله دو نسخه «ب» و «ج» از این افتادگی‌های متعدّد و درازدامن متن حتماً آگاه می‌شدند.

ب) خوانش‌ها و ضبط‌های غلط

در ویراست حاشیه شمس‌الدین گیلانی بر تعلیقه خفّری خوانش‌های خطا و ضبط‌های ناصواب بسیاری راه یافته است که این امر سبب سلب اعتماد کامل از این ویراست می‌شود. شمار شایان توجه این اغلاط نمودار سوء فهم مصححان از متن اثر از یکسو، و سهل‌انگاری آنها در ارائه متنی متین و قویم از اثر، از سوی دیگر است. در دنباله، برخی از این ضبط‌های غلط گزارش می‌شود. پاره‌ای از ضبط‌های نادرست مصححان، در مواضع و موارد متعدّد تجدید و تکرار شده است که به منظور پرهیز از تطویل کلام، این نمونه‌ها را به نحو کلی و با بیان چند مثال یادآور می‌شویم.

۱) عدم درج همزه:

- ۱- ص ۸۲ س ۲: «شی من الاشیا» ← شیء من الأشياء.
- ۲- ص ۸۵ س ۱۴: «اراد شیاً» ← أراد شیئاً.
- ۳- ص ۱۰۱ س ۲ و ۱۱: «كان المحشى» ← كأن المحشى.
- ۴- ص ۱۷۶ س ۱۱: «سیجی» ← سیجیء.
- ۵- ص ۱۷۹ س ۱۶: «الی» ← إلى.
- ۶- همان، س ۱: «إلا انّ» ← إلا أنّ.
- ۷- ص ۱۱۱ س ۱۴: «اصلاً / بان» ← أصلاً / بأنّ.
- ۸- ص ۲۱۰ س ۱: «فاذا / الی / احدهما» ← فإذا / إلی / أحدهما.
- ۹- ص ۱۷۸ س ۸: «اصول اساطین» ← أصول أساطین.
- ۱۰- ص ۱۵۶ س ۱۷: «أما الاول فلانه» ← أما الأوّل فلأنّه.

۲) ثبت «ه» بجای «ة» یا عکس آن:

- ۱- ص ۸۷ س ۴: «المشیه» ← المشیئة.

نسخه «ب» و «ج» با عبارت «قوله: علی معلولاته. هذا توهم خلاف ما حققناه سابقاً» آغاز شده و تا نزدیک پانزده صفحه بعد تا عبارت «هذا اشتباه ناش من عدم فهم كلام الشيخ وقد عرفت ما هو الحق» ادامه دارد! تمام این قسمت یکسره از متن جافتاده است!

۲) در صفحه ۱۴۵ دوباره به سبب افتادگی حادث شده در ویراست اثر، چند صفحه از متن رساله از قلم افتاده است! در واقع، بر اساس دو نسخه «ب» و «ج» میان آخرین جمله بند نخست ص ۱۴۵، یعنی «فمن لم يجوز كون الممكن فاعلاً إلى آخره» تا جمله نخستین بند بعدی، یعنی «قوله: يدل علی ذلك ما نقل سابقاً عن بهمنیار»، نزدیک سه صفحه از قلم افتاده است که از عبارت «قوله: والتأثیر لا امکان له فی صورة الايجاب ...» تا عبارت «والأوّل أنسب بالعبارة» را شامل می‌شود.

۳) در صفحه ۱۶۵ انتهای بند دوم، پس از عبارت «الأشياء تحصل بانفسها فی الذهن» و قبل از عبارت بعدی موجود در ویراست، یعنی «قوله: ان عنی بالعینیة الواقعة الی آخره»، بر اساس دو نسخه «ب» و «ج» افتادگی عمده دیگری حادث شده که به قریب یک صفحه از متن بالغ می‌شود. در اینجا مصححان کتاب از عبارت بعدی، یعنی «فأتضح لك العلم حقيقة ليس إلا الحضور» تا عبارت «وذلك ساقط عند أهل السداد والرشاد» را از قلم انداخته‌اند!

۴) نمونه دیگری از افتادگی عبارات در ویراست مصححان را می‌توان در صفحه ۱۵۲ مشاهده کرد که در آنجا نزدیک به یک سطر از متن اثر افتاده است. در سطر ۱۵ صفحه مزبور، همچنانکه در دو نسخه اساس مصححان یعنی نسخه «ب» و «ج» شاهد هستیم، میان کلمه «لا ینافی» و «لوجود» حدود یک سطر افتاده است: «هذا لا ینافی کون ما عدا الواجب من الممكنات المتحققة منتزعا منه الوجود بالمعنی المصدري». قسمتی که زیر آن خط کشیده شده است هم‌اکنون در ویراست مصححان موجود نیست.

۵) همچنین، در صفحه ۱۸۳ در پایان بند دوم پس از کلمه «فتأمل» چند سطر افتاده است که طبق دو نسخه «ب» و «ج» از عبارت «قوله أعراضاً أي شبيهة بالأعراض» شروع شده و تا آخر عبارت «علی سبیل التشبیه والمجاز» در چند سطر بعد ادامه یافته است.

گذشته از این موارد، از نمونه افتادگی‌های خرد نیز می‌توان به جافتادگی برخی کلمات در عبارت زیر اشاره کرد که فقدان آنها عبارت را مبهم و نامفهوم ساخته است. اگرچه مصححان متوجه آن نشده‌اند:

- ۲- ص ۸۸ س ۱۴ و ص ۹۰ س ۱۸: «آخرة» ← آخره.
- ۳- ص ۹۰ س ۱۷: «المناقشه» ← المناقشة.
- ۴- ص ۹۱ س ۱۴ و ص ۹۴ س ۵: «المعارضه» ← المعارضة.
- ۵- ص ۹۳ س ۹: «اليوميه» ← اليوميّة.
- ۶- ص ۹۴ س ۲ از آخر: «المناسبه» ← المناسبة.
- ۷- ص ۹۵ س ۳: «الأشعريه» ← الأشعرية.
- ۸- ص ۱۰۷ س ۱۵: «معلولة» ← معلوله.
- ۹- ص ۲۴۰ س ۱۰: «فعلة» ← فعلة.
- ۱۰- ص ۲۲۶ س ۵: «منطقه او غير منطبقه» ← منطقۀ او غير منطبقه.
- ۱۱- ص ۱۷۵ س ۱۱: «الحاشيه المعنونه» ← الحاشية المعنونة.
- ۱۲- ص ۱۳۷ س ۱۰: «واختارة» ← واختاره.

۳) درج «ی» بجای «ی» و عکس آن:

- ۱- ص ۹۷ س ۹: «سوي» ← سوي.
- ۲- ص ۹۷ س ۱۲: «انتهی» ← انتهى.
- ۳- ص ۹۹ س ۵: «علي» ← على.
- ۴- ص ۱۰۷ س ۵: «أقوي» ← أقوى.
- ۵- ص ۱۳۶ س ۱: «الي» ← إلى.
- ۶- ص ۱۴۰ س ۲: «معني» ← معنى.
- ۷- ص ۱۴۰ س ۶: «هي» ← هي.
- ۸- ص ۱۷۱ س ۹ و ۱۰: «تعالی» ← تعالى.
- ۹- ص ۱۷۸ س ۵: «يعني» ← يعني.
- ۱۰- ص ۱۹۰ س ۱: «فی» ← في.

افزون بر اغلاط مکرر مزبور، بعضی دیگر از خوانش‌ها و ضبط‌های نادرست نیز در متن ویراسته قابل مشاهده است. برای نمونه، در صفحه ۸۳ سطر ۸ عبارت «بالمفاسد» به اشتباه به صورت «بالمفاسده» مکتوب شده است. درخور توجه است که در دو نسخه از سه نسخه مورد استفاده مصححان، یعنی نسخه‌های «ب» و «ج»، همین ضبط «بالمفاسد» وارد شده و اگر مصححان بدین امر توجه می‌داشتند شاید دچار خطا در تشخیص ضبط صحیح کلمه نمی‌شدند. عجیب است که دو مصحح ارجمند حتی به این ضبط صحیح به عنوان نسخه بدل هم اشاره‌ای نکرده‌اند! این امر دقت آنها را در مقابله دست‌نوشته‌ها با یکدیگر جدّاً زیر سؤال می‌برد.

نمونه دیگر آنکه در عبارات پایانی صفحه ۲۰۲ این جمله ذکر شده که: «وكان الشيخ لوكان عالماً بانه يظهر بعده مثل اولئك الأكابر المستعني بغير اسلوب تصنيفه بحيث لم يبق مجال توهم لأحد من أدنى المتعلمين». عبارت نامفهوم «المستعني بغير» حاصل خوانش نادرست مصححان از کلمات دست‌نوشته‌ها است و ضبط صحیح آنها عبارتست از: «المُستعنين يغيّر». در نتیجه، صورت صحیح عبارت پیشگفته از این قرار خواهد بود:

«وكان الشيخ لوكان عالماً بانه يظهر بعده مثل اولئك الأكابر المُستعنين يُغيّر أسلوب تصنيفه بحيث لم يبق مجال توهم لأحد من أدنى المتعلمين».

گفتنی است که مصتّحان ارجمند ضبط صحیح «المُسْتَعین» را - که به نحوی آشکار در دو نسخه «ب» و «ج» آمده است - در پاورقی گزارش کرده‌اند و ضبط نادرست «المستعنی» را برای قرار دادن در متن برگزیده‌اند! به چه معنا و با کدام مستمسک؟! الله أعلم.

افزون بر موارد پیشین، برخی دیگر از ضبط‌های غلط ویراست مورد گفت‌وگو، در جدول زیر نشان داده می‌شود:

ردیف	نشانی	ضبط غلط متن	ضبط درست
۱	ص ۹۳ س ۱۳	المفارضة	المعارضة
۲	ص ۸۹ س ۱۱	جواب النقص	النقض
۳	ص ۹۰ س ۱	إما أولاً	أما أولاً
۴	ص ۹۱ س ۱۷؛ ص ۹۲ س ۱ و س ۴ و س ۶	المنصف	المصتّف
۵	ص ۱۰۶ س ۴	مرفوع	مدفوع
۶	ص ۱۰۷ س ۵	اکد	آکد
۷	ص ۱۱۷ س ۱۳	مرض من	مرض
۸	ص ۱۲۱ س آخر	فإنّ	فإن
۹	ص ۱۲۲ س ۱۵	لا يتصوّر	لا يتصوّر
۱۰	ص ۱۲۴ س ۱۵	يذم	يلزم
۱۱	ص ۱۲۷ س ۱۲	متكمناً	متمكناً
۱۲	ص ۱۲۷ س ۱۲	الاطراف صدورٌ لمصلحة	إلا طرفاً صدر لمصلحة
۱۳	ص ۱۳۳ س ۱	تناهيه	متناهية
۱۴	ص ۱۳۴ س ۲	بقدم	بعدم
۱۵	ص ۱۳۶ س آخر	ظرف	طرف
۱۶	ص ۱۳۸ س ۴	الإعراض	الأعراض
۱۷	ص ۱۴۰ س ۳	بفعل	يفعل
۱۸	ص ۱۴۲ س ۱۶	الصانع	صانع
۱۹	ص ۱۴۳ س ۲	لكن	لكلّ
۲۰	ص ۱۴۵ س دوم از آخر	الخير	للخير
۲۱	ص ۱۴۷ س ۸	بالثربا	بالثربا
۲۲	ص ۱۴۷ س ۹	الكفرة	كفرة
۲۳	ص ۱۴۷ س ۱۰	الظاهر	بظاهر
۲۴	ص ۱۵۱ س ۲	علم تعالی	علمه تعالی
۲۵	ص ۱۳۶ س آخر	قدر	قد
۲۶	ص ۱۵۱ س ۴	ادع	ادعی
۲۷	ص ۱۵۲ س ۲	بالنسبة	بالنسبة
۲۸	ص ۱۵۲ س ۶	حقيقاً	حقيقياً
۲۹	ص ۱۵۲ س دوم از آخر	كمالات	كمالاته
۳۰	ص ۱۶۱ س ۱۸	موجه	وجه

ردیف	نشانی	ضبط غلط متن	ضبط درست
۳۱	ص ۱۶۲ س ۲	اوکان	وکان
۳۲	ص ۱۶۹ س ۱۶	تجسم	تجشم
۳۳	ص ۱۷۳ س آخر	شئیته	فی شیئیته
۳۴	ص ۱۷۵ س ۹	الخبر	الحبر
۳۵	ص ۱۸۲ س ۱۸	العلم	لعلم
۳۶	ص ۱۸۳ س ۴	فی	من
۳۷	ص ۱۸۴ س ۸	العلوم	المعلوم
۳۸	ص ۱۹۸ س ۱۰	الحضوره	الحضور
۳۹	ص ۱۹۸ س ۱۲	الحيثية	الحيثية
۴۰	ص ۲۰۱ س ۲	بتصورها	يتصورها
۴۱	ص ۲۰۱ س ۱۴	القرض	الغرض
۴۲	ص ۲۰۱ س ۱۶	ظلی	الظلی
۴۳	همان	بخصوص	لخصوص
۴۴	ص ۲۰۲ س ۵ و ۶	وجود رابطه	وجود رابطی
۴۵	ص ۲۰۳ س آخر	الاعلی	إلأعلى
۴۶	ص ۲۰۴ س آخر	الطيف	اللطف
۴۷	ص ۲۰۹ س ۱۱	الی	آلتی
۴۸	ص ۲۱۵ س ۸	اشاره	الإشارة
۴۹	ص ۲۱۷ س ۹	النوعیته	النوعیة
۵۰	ص ۲۴۰ س ۷	مما	فما

همچنین، مصححان محترم اثرگاه ضبط غلط کلمه یا عبارتی را بر ضبط درست آن ترجیح داده، ضبط نادرست را در متن نهاده‌اند و ضبط درست آن را در پاورقی. برای نمونه، در صفحه ۸۴ سطر ۱۲ عبارت را چنین درج کرده‌اند: «فتمحض وجود العالم بعد عدمه لایثبت إلا نفی الايجاب المذكور» آنگاه ضبط درست «فبمحض» را - که در نسخه «ب» وارد شده است - بجای متن در بخش گزارش نسخه بدلها قید کرده‌اند. معلوم است که در اینجا خوانش «فتمحض» معنای محصلی ندارد و ضبط درست همان «فبمحض» است.

نیز در صفحه ۱۱۱ سطر ۱۱ عبارت بدین شکل ارائه شده است: «لأنه قدس سره» لم يقل وجود العالم بعد عدمه لما سبق بنفي الايجاب حتي يرد عليه ...». در این عبارت، ضبط مختار مصححان، یعنی «بنفی» نادرست است و ضبط درست آن همان «ینفی» است که در پاورقی گزارش شده است.

به همین نحو در صفحه ۱۳۰ سطر ۴ عبارت به نحو مغلوطن چنین ویراسته شده: «كون العلم عين الذات غير مضمّر. اذ المقصود لاثّر العلم بالأصلح». هردو ضبط «مضمّر» و «لاثر» نادرست است و گمراه‌کننده و صورت صواب آنها همان ضبط‌هایی است که در پاورقی گزارش شده و به ترتیب عبارتست از: «مضّر» و «اثر». بر این اساس، ریخت صحیح عبارت مزبور بدین قرار است: «كون العلم عين الذات غير مضّر؛ إذ المقصود أثر العلم بالأصلح».

معلوم نیست دو مصحح گرامی از عبارت پیشگفته بدانگونه که ویراسته‌اند، چه برداشتی داشته‌اند!

نمونه‌ای دیگر از همین دست اشکالات، در صفحه ۱۳۵ سطر ۱۳ قابل مشاهده است که در عبارت «یعنی ان مناط ظاهر عبارة الشارح هو حدوث الارادة» مصححان ضبط درست «مفاد» را بجای متن در پاورقی ذکر کرده‌اند. همین اشتباه، باری دیگر، چند سطر بعد (ص ۱۳۶ س ۳) نیز رخ داده و در عبارت «لأن مناطها بحسب الظاهر هو كون الارادة غير الذات» ضبط غلط «مناطها» در متن نهاده شده و ضبط درست «مفادها» در پاورقی.

همچنین در صفحه ۱۸۷ سطر ۱۳ عبارتی بدین صورت وارد شده است: «وكان كلام الشيخ في الاشارات لنفي براءة عما أوردوه من الايرادات». ضبط «لنفي» در عبارت منقول - به شهادت دو نسخه «ب» و «ج» و نیز عبارتی که خود مصححان در صفحه ۲۰۲ بدین نحو ویراسته‌اند: «وقد عرفت ان كلام الشيخ لنفي براءة عما توهم من كلامه و عما رومه» - نادرست است و صورت صحیح آن همان «لنفي» است که مصححان در پاورقی گزارش کرده‌اند! همین اشتباه دوباره در صفحه ۱۹۵ سطر ۷ نیز رخ داده که در آن ضبط نادرست «نفي» در متن گذاشته شده: «قد عرفناك ان كلام الشيخ نفي براءة عما رُمي به» و ضبط درست «لنفي» در پاورقی.

نمونه دیگر این‌که در صفحه ۲۲۲ سطر ۴ در عبارت «فلا يتحشى علي هذا احاطة علم الواجب تعالی بجميع الاشياء» بجای ضبط غلط «فلا يتحشى» - که با لحاظ آن معلوم نیست چه معنای مناسب و محصلی از عبارت مزبور می‌توان دریافت - ضبط درست «فلا يتمشى» که در پاورقی گزارش شده می‌بایست در متن قرار می‌گرفت.

پ) اغلاط چاپی و حروف نگاشتی

یکی از اشکالات اساسی ویراست مورد بررسی وجود اغلاط حروف نگاشتی پرشمار در آن است. گاه اغلاط چاپی چنان واضح و فاضح است که شگفتی خواننده را موجب می‌شود و این پرسش را فراروی او قرار می‌دهد که: چگونه این اغلاط آشکار از زیر نظر آن همه افراد عامل و ناظر و داور و ناشر این ویراست گذشته است و هیچ‌یک متوجه آنها نشده‌اند؟!

یک نمونه روشن این اغلاط چاپی در صفحه ۸۷ کتاب سطر ۸ قابل ملاحظه است که حروف چندین کلمه به صورت مقطعه اینگونه چاپ شده است: «في ص ح ب هذا ال إ ا ع ت ا ر ا ن ع دم ال ع ا ل م!»

نظیر همین اشکال و عبارت طلسم‌گونه، چند صفحه بعد در

صفحه ۹۵ سطر ۵ نیز دیده می‌شود: «ایض إ ا ل م ص ن ف و غ ی ره، فل ای ص ح ل ه م!»

سیاهه شمار دیگری از اغلاط حروف نگاشتی ویراست مزبور به شرح زیر است:

- (۱) ص ۱۶ س ۱۱: «اردا تمندان» ← ارادتمندان.
- (۲) ص ۸۱ س ۳: «العام» ← العالم.
- (۳) ص ۸۶ س ۱۰: «المتعزله» ← المعتزلة.
- (۴) ص ۹۱ س ۱: «الإنه» ← لأنه.
- (۵) ص ۹۲ س ۱۵ و ص ۹۴ س ۸: «أدعاه» ← إدعاه.
- (۶) ص ۱۱۰ س ۳: «بأجماع» ← بإجماع.
- (۷) ص ۱۱۲ س ۱: «المللین» ← الملئین.
- (۸) ص ۱۱۳ س ۹: «توضیحه» ← توضیحه.
- (۹) ص ۱۱۶ س ۶: «المسببة» ← المسبببة.
- (۱۰) ص ۱۱۷ س ۸: «السبیه و المسببه» ← السبببة و المسبببة.
- (۱۱) ص ۱۱۸ س ۲: «بالسلسلة» ← بالسلسلة.
- (۱۲) ص ۱۱۸ س ۱۱: «بهذا الاعتبار» ← بهذا الاعتبار.
- (۱۳) ص ۱۲۸ س ۱۴: «فسرها» ← فسرها.
- (۱۴) ص ۱۳۴ س ۵: «بیحث» ← بحیث.
- (۱۵) ص ۱۳۴ س آخر: «بیناً» ← بیتاً.
- (۱۶) ص ۱۳۵ س ۱۰: «الشثي» ← الشثي.
- (۱۷) ص ۱۴۰ سطرهای ۱۶ و ۱۷: «انتقاء» ← انتقاء.
- (۱۸) ص ۱۴۳ س ۹ و ص ۱۴۴ سطرهای ۱۶ و ۱۸: «للحتیاج» ← للاحتیاج.
- (۱۹) ص ۱۴۴ س ۱: «لللازم» ← لللازم.
- (۲۰) ص ۱۴۵ س ۶: «المقدروية» ← المقدرورية.
- (۲۱) ص ۱۴۷ س ۱۰: «الخبر» ← الخیر.
- (۲۲) ص ۱۴۷ س ۱۸: «الثنوية» ← الثنوية.
- (۲۳) ص ۱۵۱ س ۱۶: «شائه» ← شأنه.
- (۲۴) ص ۱۵۲ س ۱۴: «حل سلطانه» ← حل سلطانه.
- (۲۵) ص ۱۵۳ س دوم از انتها: «فلیزم» ← فیلزم.
- (۲۶) همان: «باته» ← بذاته.
- (۲۷) ص ۱۵۴ س ۳: «صرفه» ← صرفه.
- (۲۸) ص ۱۵۵ س ۲: «بعیر» ← بعیر.
- (۲۹) ص ۱۵۶ س ۹: «لم یکن» ← لم یمكن.
- (۳۰) ص ۱۶۲ س ۷: «والعم» ← والعلم.
- (۳۱) ص ۱۷۰ س آخر: «الطیف» ← اللطیف.
- (۳۲) ص ۱۷۵ س دوم از آخر: «التغیر» ← التغیر.

نسخه «ب» که از نسخ اساس تصحیح بوده نیز عبارت به شکل صحیح کتابت شده ولی مصححان ارجمند با خوانش نادرست خود، عبارت صحیح «موجوداً» را به صورت غلط «موجوداً» ثبت کرده‌اند. اینکه مصححان کتاب، چه درک و دریافتی از این عبارات داشته و چگونه آنها را خوانده‌اند، مسأله‌ای درخور تأمل است.

۳- ص ۹۸ س ۸: «فلا يكون التوقف على الشرط الحادث أمراً ممكن» ← ممکناً.

کلمه «ممكن» در عبارت بالا وصف «أمر» است و باید همچون موصوف خود منصوب باشد. بنابراین ضبط صحیح این کلمه «ممکناً» است.

۴- ص ۱۰۰ س آخر: «فإنه لم يكن موجب تاماً» ← موجباً.

کلمه «موجب» خبر برای «لم يكن» است و طبق قواعد زبان عربی باید منصوب باشد. بر این اساس، ضبط درست کلمه «موجباً» است و «موجب» ضبطی ناصواب و مخالف با قواعد ابتدایی زبان عربی است.

۵- ص ۱۴۵ س ۴: «فيكون جميع الموجودات صادرة عنه تعالى بالارادة والاختيار» ← صادرةً.

کلمه «صادرة» خبر برای «فيكون» است و طبق دستور زبان عربی باید منصوب باشد. بر این اساس، اعراب صحیح آن «صادرةً» است.

۶- ص ۱۴۶ س ۱۵: «أن عدم المعلول مستند إلى عدم العلة» ← مستند.

کلمه «مستنداً» خبر برای «أن» است و طبق قواعد زبان عربی باید مرفوع باشد. بر این اساس، ضبط صحیح آن کلمه «مستند» است. شایان توجه است که در دو نسخه «ب» و «ج» ضبط کلمه به همین صورت صحیح «مستند» آمده است اما ظاهراً عدم التفات به قواعد زبان عربی و اهمال در مقابله دقیق نسخ اساس تصحیح، زمینه‌ساز خطای مصححان در ضبط این کلمه شده است.

۷- ص ۲۰۲ س ۱۰: «ان الاتصاف بالسواد لا يحصل بمحض الوجود رابطي» ← رابطی.

کلمه «رابطی» صفت برای «الوجود» است و همانطور که در دو نسخه «ب» و «ج» آمده، باید همچون موصوفش معرفه باشد؛ بنابراین ضبط درست کلمه یادشده «الرابطی» است.

۸- ص ۲۰۲ س ۱۶: «ان الكلام الشيخ لفي براءة عما توهم» ←

(۳۳) ص ۱۷۶ س ۱۱: «سجی» ← سجی.

(۳۴) ص ۱۷۸ س ۱۴: «مناط» ← مناط.

(۳۵) ص ۱۸۰ س ۷: «منكشفة» ← منكشفة.

(۳۶) ص ۱۸۷ س ۷: «الحكاء» ← الحكماء.

(۳۷) ص ۱۸۸ س ۱: «مباينة» ← مباينة.

(۳۸) ص ۱۸۸ س ۵: «متباينة» ← متباينة.

(۳۹) همان، س ۸: «متباينة» ← متباينة.

(۴۰) ص ۱۹۷ س ۲: «التمثلة» ← المتمثلة.

(۴۱) ص ۱۹۸ س ۵: «فالفنفس» ← فالنفس.

(۴۲) ص ۲۰۰ س ۲۰۰: «بلحكيم» ← بالحكم.

(۴۳) ص ۲۰۲ س ۵: «حصولو» ← حصول و.

(۴۴) ص ۲۰۳ س ۱۳: «الشریعة» ← الشریعة.

(۴۵) ص ۲۱۰ س ۱: «جرئیة» ← جرئیة.

(۴۶) ص ۲۱۴ س دوم از آخر: «بأسبابها» ← بأسبابها.

(۴۷) ص ۲۱۴ س آخر: «فی فی شخصیة» ← فی شخصیة.

(۴۸) ص ۲۲۳ س ۳: «الطیف» ← اللطیف.

(۴۹) ص ۲۱۸ س ۱۰: «مقصوذه» ← مقصوذه.

(۵۰) ص ۲۲۶ س ۴: «المنصف» ← المنصف.

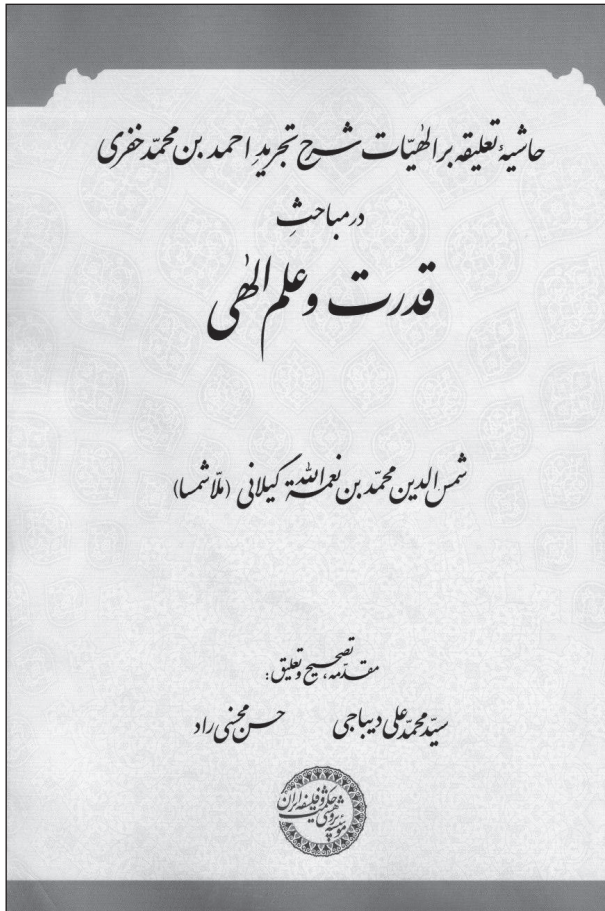
ت) اغلاط نحوی آشکار در ضبط کلمات

گذشته از اغلاطی که در اثر خوانش‌های نادرست در متن ویراسته راه یافته است، پاره‌ای از ضبط‌های نادرست موجود در متن از گونه اغلاط نحوی صریح است که با اندکی دقت ممکن بود از درج آنها جلوگیری شود. پاره‌ای از این اغلاط به شرح زیر است (ابتدا ضبط غلط و سپس ضبط صحیح نشان داده می‌شود):

۱- ص ۸۱ س ۷: «حتى يكون للعدم تقدماً ذاتياً على الوجود او طبيعياً» ← تقدّم ذاتی أو طبیعی.

در عبارت یادشده کلمه «تقدماً» اسم برای «يكون» است و به همراه دو وصف «ذاتياً» و «طبيعياً» باید مرفوع باشد. جالب توجه است که در یکی از دست‌نوشته‌های مورد استناد مصححان، یعنی نسخه «ب»، عبارت پیشگفته به همین صورت صحیح «تقدّم ذاتی أو طبیعی» درج شده است اما مصححان بدان توجهی نکرده و حتی در بخش نسخه بدلها هم آن را گزارش ننموده‌اند.

۲- ص ۸۲ س ۲: «ولم يكن شي من الاشيا سوى ذاته المقدس موجود. أو ما سوى الله تعالى كان معدوماً» ← موجوداً و ما سوى الله. در عبارت مزبور کلمه «موجود» خبر برای «لم يكن» است و باید منصوب باشد در حالی که مرفوع درج شده است. شگفتا که در



کلام.

در عبارت بالا کلمه «الكلام» مضاف است و باید بدون «ال» درج شود. پس ضبط صحیح این کلمه «کلام» است.

۹- ص ۲۰۸ س ۴: «لأن الكلام فى تصحيح جواز كون امراً واحداً بعينه معلوما» ← أمرٌ واحدٌ.

ترکیب «امراً واحداً» در عبارت بالا، مضاف الیه «کون» است و همانگونه که در دو نسخه «ب» و «ج» وارد شده باید هر دو جزء آن مجرور باشد.

۱۰- ص ۲۰۸ س ۵: «فیجب ان یکون امراً واحداً بعينه معلوما للعالمین» ← أمرٌ واحدٌ.

ترکیب «امراً واحداً» در عبارت فوق اسم برای «یکون» است و باید مرفوع باشد. پس ضبط درست آن عبارتست از: «أمرٌ واحدٌ».

۱۱- ص ۱۳۰ سطر ۱۶: «القائلین بكون الإرادة مفيدة للوجوب» ← مفيدةٌ.

چنانکه می‌دانیم، براساس قواعد زبان عربی، خبر «کان» منصوب است و بنا براین، ضبط و اعراب درست کلمه «مفید» عبارتست از: «مفيدةٌ».

۱۲- ص ۱۳۱ سطر نخست: «كون الصفات عيناً له تعالى أو زائدة عليه» ← زائدةٌ.

کلمه «زائده» که مرفوع اعراب‌گذاری شده، خبر «کون» است و باید منصوب باشد، یعنی: «زائدهٌ».

۱۳- ص ۱۷۹ سطر ۷: «أن واجب الوجود لذاته عقل لذاته و عاقل و معقولٌ لذاته» ← معقولٌ.

کلمه «معقول» خبر «أن» است و باید مرفوع باشد، حال آنکه به صورت غلط «معقول» نوشته شده است!

۱۴- ص ۲۰۵ سطر ۱۲: «فقولهم هذا يفضى الى نفي العلم» ← فقولهم.

کلمه «فقولهم» مبتدا است و باید مرفوع باشد ولی مصححان آن را با اعراب مجرور بدین شکل ثبت کرده‌اند: «فقولهم».

بهبود مصححان شتابکار کتاب که وقت و دقت کافی در ضبط حرکات مبذول نداشته‌اند، بجای ثبت نادرست اعراب کلمات، متن را به صورت ساده ارائه می‌نمودند تا خوانندگان خود به شکل و اعراب کلمات بپردازند.

ث) **عدم استفاده از نشانه‌های ویرایشی یا استفاده نادرست از آنها**

در جای جای متن ارائه شده، نمونه‌هایی از عدم استفاده یا کاربرد نادرست علائم ویرایشی قابل مشاهده است. نمونه‌هایی از این خطاهای ویرایشی به شرح زیر است:

۱- درص ۱۴۲ سطرهای ۱۰-۱۲ مصححان با کاربرد نابجای نشان نقل قول و گیومه عبارتی از ملا شمس گیلانی را به اشتباه در مقام گفتاوردی از خواجه نصیر نشانده‌اند:

وقد عرفت فيما سبق، أنه لانزاع بين الحكماء والمتكلمين الا في قدم العالم و حدوثة وان الحكماء

نصیر شده است. در این بند، از قسمت «أن الفلاسفة» تا «مستند الیه» بازگفت عبارات خواجه در شرح اشارات است و از بعد آن، یعنی از «وهذا صریح» تا آخر بند در واقع متعلق به گیلانی است. در ویراست مصححان، تمام این عبارات بی هیچ فاصله در پی هم به نحو زیر آمده و برای خواننده فصل ممیزی میان آنها قرار داده نشده است:

«قال المصنف المحقق (قدس سره) فی شرح الإشارات ما محصّله: أن الفلاسفة لم يذهبوا الى ان القديم يمتنع ان يكون فعلاً لفاعل مختار ولا الى أن المبدأ الأول ليس بقادر مختار بل إلى أن قدرته واختياره لا توجبان كثرة في ذاته وأن فاعليته ليست كفاعلية المجبورين من الطبائع الجسمانية وانه تأم في الفاعلية و أن العالم ازلی مستند الیه وهذا صریح في أن الفلاسفة لانزع لهم مع المتكلمين في ثبوت القدرة والاختيار للواجب تعالی.»

نمونه دیگری از استفاده نادرست مصححان اثر از نشانه‌های ویرایشی، در صفحه ۱۲۷ سطر سوم از انتهای عبارت «وان لم یکن كذلك بل اختارة الفاعل لمصلحة و هو رای، انه خیر من مقابله ...» مشهود است که در آن، درج نابجای ویرگول پس از کلمه «رای»، سبب فاصله افتادن میان فعل «رأی» و مفعولش، یعنی «أنه خیر من مقابله» شده است.

عدم استفاده از علائم ویرایشی در مواضع دیگری از کتاب نیز قابل ملاحظه است؛ مثل این که در صفحه ۱۰۲ در انتهای بند ۲ جمله با کلمه «جدل» تمام شده است بی آنکه در آخر آن نقطه‌ای نهاده شده باشد.

ج) تقطیع‌های ناگهانی و نابجا در متن

در مواردی، چه در مقدمه کتاب و چه در اصل اثر، متن به‌طور ناگهانی دچار تقطیع شده است؛ یعنی به اشتباه بندی تازه ایجاد شده است که طبعاً این امر در روند خوانش و فهم متن اخلال ایجاد می‌کند. پاره‌ای از این تقطیعات غلط، ناشی از اشتباهات ویراستارانه است و بعضی دیگر، به سبب سوء فهم و عدم درک صحیح از عبارات اثر. در ادامه، نمونه‌هایی از هر دو نوع تقطیع‌های نابجا گزارش می‌شود:

۱- ص ۱۷ سطرهای ۱۵-۱۷ که بین دو کلمه «نسخه» و «شماره ۳۰۷» بندی به خطا ایجاد شده است!

۲- ص ۸۶ سطرهای ۱۵-۱۶ که باز بین دو کلمه «فلاشک فی» و «تحققه» بندی به خطا ایجاد شده است!

لاینفون القدرة والاختیار بل هم مثبتوا القدرة والاختیار علی ما نقلنا عن المصنف قدس سره فی شرح اشارات: «واعلم ان بعض الشارحين قال فی شرح قول المصنف وعمومية العلة يستلزم عمومية الصفة.»

در عبارت بالا قسمت «واعلم ان بعض الشارحين...» سخن گیلانی است که به سبب کاربرد نابجای دونقطه و گیومه هم‌اکنون به صورت نقل قولی از خواجه نصیرالدین طوسی درآمده است! در واقع، مصححان باید قسمت «واعلم ان بعض الشارحين...» را به عنوان آغاز یک مطلب جدید در بندی جداگانه درج می‌کردند.

۲- ص ۸۷ س ۱: «قلنا: إن عدم العالم ممکن بالنظر الى ذاته. لامتناع زوال الامکان الذاتی عنه.»

در عبارت بالا بین دو کلمه «ذاته» و «لامتناع» به اشتباه نقطه گذاشته شده است، در حالی که باید از نشان نقطه ویرگول استفاده می‌شد. این اشکال ویرایشی در موارد متعدّد دیگری نیز تکرار شده است.

۳- ص ۱۰۴ سطرهای ۸-۹: «اذا كانت طبيعة ما من الطبائع قديمة غير القدم الزماني. فلا يتصور ذلك الا بان يكون...»

معلوم نیست به چه دلیل مصححان اثر با درج نقطه پس از کلمه «الزماني» بین شرط و جزای آن فاصله انداخته و آنها را از یکدیگر منقطع کرده‌اند.

۴- ص ۱۲۸ سطرهای ۷-۸: «ويتفرع عليه نفي القدرة. واثبات الايجاب.»

در اینجا نیز بنا بر درست پس از کلمه «القدرة» نقطه گذاشته شده که به نحو نامناسبی میان عبارت دوم که بر عبارت نخست عطف شده فاصله انداخته است.

۵- ص ۸۱ س ۹: «وإلا لزم قدم اثره «أى العالم»، لكون الموجد قديماً.»

علت قرار دادن عبارت «أى العالم» در گیومه معلوم نیست و ظاهراً وجهی برای آن وجود ندارد.

افزون بر اشکالات پیشگفته، گاهی نیز استفاده نکردن مصححان از نشانه‌های ویرایشی مناسب، زمینه‌ساز خطای خواننده در فهم متن کتاب می‌گردد. برای نمونه، در صفحه ۹۰ بند سوم که گیلانی نقل قولی را از خواجه نصیرالدین طوسی آورده است، قرار ندادن عبارات خواجه در میان دو گیومه و فاصله نینداختن میان آن و کلمات گیلانی موجب خلط عبارات گیلانی با گفتاور از خواجه

- ۳- ص ۱۰۱ سطرهای ۵-۶ که بار دیگر میان دو عبارت «مع ذلک» و «ذکرالموجب» بندی به خطا نهاده شده است!
- ۴- ص ۱۸۰ سطرهای ۳-۴ که دیگر بار میان دو عبارت «لیست بعلم حقیقه» و «لانک قد عرفت» بندی به خطا نهاده شده است!
- ۵- ص ۱۹۶ سطرهای ۹-۱۰ که بین دو عبارت «فیلمز تکثرالصور» و عبارت «والحال انکم قلمت انه لا يتضاعف الصور» که دنبال هم هستند، به اشتباه بندی ایجاد شده است.
- چ) خطا یا سهل انگاری در گزارش نسخه بدلها**
مصححان کتاب گاه در گزارش نسخه بدلها نیز دچار اهمال و سهل انگاری یا خطا شده‌اند. برای نمونه در صفحه ۱۲۷ سطر ۱۲ پس از درج عبارت «لم یصدر عنه الاطراف صدوژ لمصلحة راه» در پاورقی پنجم یادآور شده‌اند که در دو نسخه «ب» و «ج» بجای «صدوژ» ضبط «صدره» آمده است. این در حالی است که با مراجعه به دو نسخه مزبور معلوم می‌شود که ضبط مکتوب در آنها «صدر» است و نه «صدره».

نمونه‌هایی از این دست، در ویراست مورد گفت و گو بسیار است لیک در اینجا بیش از این به بازگفت آنها نمی‌پردازیم.

خ) اشکال در درج پاورقی‌ها

یکی از نمودهای بارز سهل انگاری فراهم‌آوران و انتشاردهندگان کتاب، اشکالات گوناگون در درج پاورقی‌ها و ارجاعات کتاب است. برای نمونه در صفحه ۱۶ در پاورقی شماره ۱ بین نشان صفحه (ص) و شماره صفحه چند سانتی فاصله افتاده است! در صفحه بعد (ص ۱۷) دو ارجاع غریب دیده می‌شود که در هیچ‌یک از آنها شماره صفحه منبع مورد ارجاع قید نشده است! گذشته از این، نحوه استناددهی هم در دو ارجاع یادشده متفاوت است: در ارجاع نخستین ابتدا اسم کتاب آمده و سپس نام نویسنده و بعد سال چاپ، اما در ارجاع دوم، ابتدا نام نویسنده آمده و سپس نام اثر و دیگر هیچ! جالب توجه است که مشخصات کامل نشر هیچ‌یک از دو مأخذ ارجاع داده شده نیز در کتابنامه اثر درج نشده است؛ بنابراین خواننده دقیقاً نمی‌تواند دریابد نویسندگان به کدام مأخذ ارجاع داده‌اند! بلافاصله در صفحه ۱۸ ارجاعات محققان اثر به ترتیبی دیگر، یعنی با ذکر نام اثر و شماره صفحه صورت گرفته است. این شیوه «دلخواهانه» مصححان در تنظیم ارجاعات، در سایر صفحات کتاب نیز قابل مشاهده است!

گذشته از اینها، در صفحه ۲۰ پاورقی شماره ۱ افزون بر فاصله چند سانتی میان دو کلمه «پایین» و «۱۳۶۰»، شماره صفحه پس از درج نقطه و اتمام ارجاع نوشته شده است! همین اشکال در پاورقی ص ۵۲ نیز وجود دارد.

غیاب متن پاورقی به‌رغم حضور شماره آن، از دیگر اشکالات این ویراست است. در مواردی مثل پاورقی شماره ۷ در صفحه ۱۷۶ و

مصححان همچنین در گزارش اختلاف نسخ کوتاه‌ی شایان توجهی روا داشته‌اند. از برای نمونه در صفحه ۱۴۲ سطر ۱۴ در نسخه «ب» پس از کلمه «معنی» کلمه «عام» وارد شده است که مصححان از گزارش آن غفلت کرده‌اند. سه سطر بعد در همان نسخه «ب» بجای «کل» کلمه «بکل» کتابت شده که شوربختانه باز در گزارش آن سستی کرده‌اند.

ح) عدم ارائه ارجاعات لازم

چنانکه می‌دانیم یکی از بایسته‌های ابتدایی تحقیق و تصحیح متن، تمهید ارائه ارجاعات و استخراجات لازم مربوط به متن اثر است. مصححان این کتاب به آسانی، از خیر ارائه هر چه ارجاع ضروری در باب اشارات موجود در متن است گذشته‌اند و به خود زحمت تمهید ساده‌ترین ارجاعات مثل تخریح نشانی آیات قرآن را نیز نداده‌اند! برای نمونه، در صفحات زیر ارجاعات لازم مربوط به نقل قول‌ها یا روایات و آیات قرآن ارائه نشده است:

- ۱- ص ۹۰ بند سوم.
- ۲- ص ۹۳ بند دوم.
- ۳- ص ۱۰۶ بند چهارم.
- ۴- ص ۱۱۲ بند چهارم.
- ۵- ص ۱۱۷ بند نخست.
- ۶- ص ۱۴۲ بند چهارم.

آمده است و از آن متمایز نشده.

باری، با توجه به نقائص و اشکالاتی که بیان شد معلوم می‌شود که ویراست عرضه شده از حواشی ملاًشمسا بیش و کم از حیز انتفاع و اعتبار و اعتماد ساقط است و به هیچ‌کار نمی‌آید!

آیا ارائه و نشر چنین ویراست نابسامانی، مایه «تباهی» و مباحثات و - چنانکه آقای دکتر دیباجی در مقدمه ویراست اثر خاطر نشان کرده‌اند - «شایسته قدردانی فراوان است»؟^۶ آقای محسنی‌راد لابد به میزان دانش و توانش خویش در کار تصحیح این متن کوشیده‌اند؛ اما از استاد راهنمای این رساله و سایر ناظران و ارزیابان و ناشران آن انتظار می‌رفت به رسالت خویش نیک واقف باشند و پیش از انتشار آن کوششی برای بهبود ویراست اثر انجام دهند. دور نیست که این ویراست‌های اینچنین آشفته از بخت بد به دست محققان دیگر ممالک نیز بیفتند و آنگاه چه بسا که مایه سخره و تمسخر گردد. شایسته نیست آثار ارجمند دانشوران شیعی با این میزان بی‌دقتی و آشفتگی منتشر شود و نام دانش و دانشگاه و مؤسسه پژوهشی را بی اعتبار سازد.

دست‌آخرا اینکه ویراستی که در اینجا مورد ارزیابی قرار گرفت و پیش‌تر بیان شد که نخست به عنوان یک پایان‌نامه دانشگاهی از آن دفاع شده است، شاهد صدق و گواه استواری است برای اثبات این ادعا که سپردن امر تصحیح متن به عنوان پایان‌نامه به دانشجویان ناآشنا به فن تصحیح متون، کاری منطقی و ثمربخش نیست و بجد باید از آن پرهیز کرد. کار تصحیح متون علمی، امری صعب و پیچیده است که دانش و توانش و تجربت خاص خود را می‌طلبد و به راحتی قابل واگذاری به هر علاقه‌مندی نیست؛ و الله هو الموفق للصواب و المُسدّد لما یرضیه من الأعمال

پاورقی شماره ۹ در صفحه ۲۰۴ مصححان شماره پاورقی را درج کرده‌اند اما ظاهراً فرصت نکرده‌اند مطلبی در آن قید نمایند. تنظیم نامناسب پاورقی‌ها و ارجاعات در مواضع دیگری از اثر نیز قابل مشاهده است، از جمله در صفحات ۶۳ و ۶۴ و ۶۸.

عدم مهارت مصححان در فن تصحیح متون، گذشته از خطاهایی که نشان داده شد، از تلقی نادرست ایشان از برخی نشانه‌های اختصاری مرسوم در کتابت نسخ نیز آشکار می‌شود. برای مثال، در نسخه «ب»، از علامت اختصاری «فح» که در اختصار عبارت «فحینئذ» به کار می‌رود استفاده شده است لیک مصححان دانشوران آن را به خطا معادل «محال» پنداشته و در ویراست خود (صفحه ۱۳۷ سطر یکی به آخر) بجای «فحینئذ» نوشته‌اند: «محال». عین متن ویراسته از این قرار است:

فان قلت: «کلام المعترض مبني علي مذهب الأشاعرة القائلين بأن القدرة لا يكون تعلقها بالطرفين على السواء بل القدرة تعلقها بطرف واحد محال» يتم كلام المعترض.

صرف نظر از اشکال یادشده، قرار دادن قسمتی از گفتاورد و نقل قول پیش از اتمام آن میان دو گیومه، ایراد دیگری است که خواننده را دچار مشکل در فهم متن می‌کند. شگفتا که ناهمواری و ابهام در معنای جمله نیز مصححان را به اندیشه فرو نبرده است تا به اشکال موجود در عبارت پی ببرند و به اصلاح آن دست یازند!

نظیر اشکال مذکور، در صفحه ۱۴۶ سطر ۱۶ نیز مجدداً اتفاق افتاده که در آنجا نیز نشان اختصاری «فح» در نسخه‌ها استعمال شده و مصححان معنای آن را درست در نیافته‌اند. در نتیجه، بجای عبارت «فحینئذ ینهدم بنیان ما ذهب إليه الثنویة» عبارت سقیم و مبهم «فیحوز فعلی هذا ینهدم بنیان ما ذهب إليه الثنویة» را تحویل خواننده این کتاب نابسامان داده‌اند!

گذشته از اشکالات پیشگفته، ایرادات خرد و کلان دیگری نیز در ویراست مورد گفت و گوی به نظر می‌رسد؛ از جمله این‌که گاه کلام خفّری با سخن گیلانی خلط شده است و عبارت متعلق به خفّری در ضمن کلمات گیلانی درج گردیده. برای نمونه در صفحه ۱۵۶ سطرهای ۳-۴ عبارت «و جُوز» که جزئی از کلام خفّری است به اشتباه در سطر بعدی ضمن سخن گیلانی درج شده است! به همین نحو در صفحه ۲۰۲ سطر ۹ عبارت «فانما هو القیام بالموصوف» کلام خفّری است که باید با ثبت عبارت «قوله» از کلام گیلانی متمایز می‌شد در حالی که اکنون ضمن کلام گیلانی

۶. گیلانی، شمس‌الدین، حاشیه تعلیقه بر الهیات شرح تجرید احمد بن محمد خفّری در مباحث قدرت و علم الهی، ص ۱۴.